

تأثیر مدیریت پیشگیری از جرم بر مصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها

ابراهیم داودی دهاقانی^۱، عبدالله هندیانی^۲، محمدعلی عامری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰

چکیده

هدف: اعتیاد بحرانی است که کنترل و مبارزه با آن نیازمند مدیریت منسجم با رویکرد پیشگیرانه است. هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین تأثیر مدیریت پیشگیری از جرم بر مصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها است. **روش:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارشناسان سازمان‌های متولی و اعضای شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر و کارشناسان مراکز ترک اعتیاد استان گلستان به تعداد ۱۰۵۸ نفر بود. حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۶۹ نفر برآورد شد. انتخاب نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. روایی پرسش‌نامه به روش صوری و محتوایی و اعتبار آن، از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد مدیریت پیشگیری از جرم بر مصرف مواد مخدر تأثیر دارد و مقدار همبستگی چندگانه این متغیرها برابر ۰/۳۴۵ است. بیشتر پاسخ‌گویان مورد مطالعه در ارزیابی شان نسبت به مدیریت حوزه پیشگیری اجتماعی دیدگاه مثبتی نداشته اما نسبت به مدیریت حوزه پیشگیری وضعی دیدگاه مثبتی داشتند. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد که مدیریت پیشگیری از جرم بر مصرف مواد مخدر تأثیر دارد و وضعیت نسبتاً مناسب مدیریت پیشگیری وضعی در استان گلستان، ضرورت تقویت آن را گوشزد کرده و برعکس وضعیت نامناسب مدیریت پیشگیری اجتماعی، ضرورت توجه و اهتمام بیشتر مسئولان و برنامه‌ریزان استان در این حوزه را متذکر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، پیشگیری، پیشگیری از جرم، مصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها

۱. استادیار مدیریت پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار مدیریت راهبردی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران، پست الکترونیکی:

Hendiani.s1343@gmail.com

۳. استادیار مدیریت پیشگیری از جرم، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، تهران، ایران

مقدمه

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، اعتیاد بستر و زمینه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به‌خصوص بزه‌دیدگی است که منجر به ایجاد ناهنجاری رفتاری در شخصیت اجتماعی افراد نیز می‌شود (محبوبی‌منش، ۱۳۸۲). بررسی‌ها نشان می‌دهند رفتارهای بزهکارانه ناشی از اعتیاد به مواد مخدر، امری اجتناب‌ناپذیر بوده و میزان رفتار بزهکارانه معتادان، بسیار زیاد و متنوع است (کوثری، ۱۳۸۲). مواد مخدر و جرم، بر طبق پژوهش‌های مختلف ارتباط لاینفکی با یکدیگر دارند. حتی در مواردی که پیرامون مناطق مختلف، اشکال گوناگون مواد مخدر و جرائم مختلف پژوهش شده است، باز هم ارتباط یادشده به چشم می‌خورد. این امر به ویژه در میان جوانان رواج بسیاری دارد. همچنین اثبات شده مصرف‌کنندگان مواد مخدر در مقایسه با افراد غیر مصرف‌کننده، مرتکب جرائم بیشتری می‌شوند و مجرمان در مقایسه با افراد غیر مجرم، مواد مخدر بیشتری مصرف می‌کنند (اسدافروز، ۱۳۸۷). از آنجایی که ایران نیز به عنوان عضوی از اعضای جامعه بشری با مواد مخدر و روان‌گردان و جرائم ناشی از آن روبرو بوده، تلاش‌های حقوقی و غیرحقوقی برای مقابله با آن به کار گرفته است. به عبارت دیگر وجود مواد مخدر و اعتیادآور در میان گروه‌های بزرگ انسانی در تاریخ ایران معاصر، موجب شد تا سازمان‌ها و نهادهای مختلفی با این معضل درگیر شده و برای پیشگیری و مقابله با آن گام بردارند. در دهه‌های اخیر، تصویب قوانین متعدد پیشگیری از جرم، تأسیس نهادهای متعدد مجری پیشگیری از جرم مانند پلیس پیشگیری نیروی انتظامی در حوزه جرایم عمومی و ستاد مبارزه با مواد مخدر در حوزه جرایم خاص مواد مخدر از جمله این تلاش‌هاست.

با ایجاد استان گلستان در سال ۱۳۷۶، شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر با رویکرد مدیریت پیشگیری از جرم در این استان شکل گرفت. از زمان ایجاد این شورا در استان، برنامه‌های متعددی بر مبنای سیاست‌های کلان کشور اجرا شده است. اما تاکنون پژوهشی علمی در زمینه میزان موفقیت مدیریت پیشگیری از جرم در استان گلستان انجام نشده است. به واسطه انجام این پژوهش، می‌توان تا حدودی میزان موفقیت برنامه‌های مدیریت پیشگیری از جرم در پیشگیری از مصرف مواد مخدر به عنوان یک آسیب اجتماعی جرم‌زا

را مورد شناسایی قرار داد. همچنین با توجه به این واقعیت که براساس گزارش اداره کل دادگستری استان گلستان، بیش از ۶۴/۹ درصد زندانیان این استان، معتاد و یا فروشنده مواد مخدر بوده‌اند و ۸۲/۴ درصد کل زندانیان جرایم دیگر نیز، درگیر مواد مخدر بوده‌اند (دادگستری استان گلستان، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که براساس گزارش یادشده، مواد مخدر در استان گلستان پایه و اساس شکل‌گیری و ارتکاب سایر جرائم بوده است. بنابراین، با در نظر گرفتن تاثیرات جرائم بر روی جامعه و محیط زندگی فردی، دیگر امکان نفی و منکر شدن آن وجود ندارد. بنابراین، باید از طریق دقت و توجه بیشتر به آن و انجام دادن پژوهش‌های متعدد و آشکار کردن جنبه‌های پنهان جرائم، راه را برای رسیدن به نظریه‌های معتبر در زمینه جرائم، هموار کرد. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین رابطه بین مدیریت پیشگیری از جرم (شامل مدیریت پیشگیری وضعی و مدیریت پیشگیری اجتماعی) با مصرف مواد مخدر است تا پس از بررسی این موضوع راهکارهای پیشگیرانه مرتبط را ارائه کند.

۱۳

13

نتایج پژوهش مشکی و اصلی‌نژاد (۲۰۱۳) نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین نمرات رفتارهای پیشگیری‌کننده از سوء مصرف مواد، وجود دارد که پس از ۴ سال از انجام مداخله تداوم داشت. بین سطح تحصیلی پدر و رفتارهای پیشگیری‌کننده از سوء مصرف مواد ارتباط معناداری دیده شد. بنابراین آموزش مهارت‌های زندگی، در تقویت رفتارهای پیشگیری‌کننده از سوء مصرف مواد مخدر در دانشجویان مؤثر و ماندگار است.

نظرپور، و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود دریافتند که نسبت دانش، نگرش و مهارت‌های جرات‌مندی بعد از شرکت کردن در کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی، افزایش پیدا کرده و ارتباط معناداری در تغییر نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و افزایش مهارت‌های اجتماعی بعد از شرکت در کارگاه‌ها به وجود آمده است. منصورآبادی و ابراهیمی (۱۳۸۷) فقدان قانون مشخص در خصوص مدیریت پیشگیری از جرم، پراکندگی و تعدد نهادهای متولی پیشگیری از جرم در ایران، ناهماهنگی بین نهادهای ذی‌ربط و نبود سیاست علمی، هماهنگ و سنجیده در این زمینه در سه حوزه

پژوهش، تدوین و اجرا را موجب هدر رفتن امکانات و ظرفیت‌های سازمان‌ها و خنثی شدن فعالیت‌های بخش‌های مختلف سیاست‌جنایی در خصوص پیشگیری از جرم دانسته‌اند. همچنین، محققان گوشزد کرده‌اند سازماندهی ناقص و پراکنده برنامه‌های پیشگیری از جرم، در یک بستر فکری کاملاً رسمی و دولتی صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که در هیچ یک از این نهادها جایگاهی برای مشارکت مردم و به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی در نظر گرفته نشده است. از این‌رو، به منظور برون‌رفت از این نابسامانی و اجرایی کردن بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، تدوین یک سیاست جامع و هماهنگ در این زمینه و نیز تمرکز مدیریت پیشگیری از جرم ضروری بوده و مدیریت واحد و متمرکز، الزامی است. محمدی و شیانی (۱۳۸۶) دریافته‌اند که عوامل راهبردی آموزش و پرورش در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، از لحاظ محیط داخلی در شرایط مطلوب نبوده و نقاط ضعف آن بیش از نقاط قوت است. از حیث محیط خارجی هم در برابر تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند مهارت‌های به‌دست آمده از برنامه‌های اجتماعی و هیجانی، از رفتارهای پرخطری از قبیل سوء مصرف دارویی، خشونت و رفتارهای جنسی پیش از موعد که نوجوانان را در معرض خطر ایدز و دیگر بیماری‌های مقاربتی قرار می‌دهند، بارداری در نوجوانی و خودکشی، پیشگیری می‌کند (دیوانی، اویریان، رزیک، کیستر و وایزبرگ^۱، ۲۰۰۶). این رفتارها ریشه در بسیاری از عوامل مشابه دارند و به‌وسیله راهبردهای پیشگیری مشابهی نیز قابل کاهش یا رفع هستند. حجم زیادی از پژوهش‌ها این موضوع را تأیید می‌کنند که یک رویکرد هماهنگ، ضمن پیشگیری از رفتارهای پرخطر، رشد مثبت در کودکان، نوجوانان و جوانان را ارتقاء می‌بخشد. یادگیری یا شایستگی اجتماعی و هیجانی چارچوبی از کوشش‌های هماهنگ را در زمینه پیشگیری فراهم می‌سازد (پیتون^۲ و همکاران، ۲۰۰۰).

1. Devaney, O'brien, Resnik, Keister, Keister, & Weissberg

2. Payton

گریفیث^۱ (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی نقش آموزش مهارت‌های زندگی بر سوء مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان و معلمان» به این نتیجه رسید که این برنامه‌ها در آموزش مقاومت در برابر مصرف مواد در دانش‌آموزان و معلمان نتیجه‌بخش بوده است. الی‌یاس و کرس^۲ (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش برنامه مهارت‌های زندگی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در پیشگیری از سوء مصرف مواد، خشونت و مشکلات رفتاری» به بررسی موضوع پرداختند. جامعه آماری آنان دانش‌آموزان دبستانی تا دبیرستانی مدارس دولتی و خصوصی و والدین‌شان بوده‌اند. این برنامه با ارائه آموزش آرام‌سازی، ارزیابی پاسخ‌ها در موقعیت‌های مختلف، پذیرش نقش‌ها و تصمیم‌های اجتماعی و مداخله‌های روان‌شناختی دیگر، به بهبود، ارتقاء سطح سلامت، حل تعارضات، خشونت و پیشگیری از سوء مصرف مواد پرداخت.

مصرف مواد مخدر از جمله بارزترین آسیب‌های اجتماعی است که به راحتی می‌تواند بنیان فرهنگی، اجتماعی یک کشور را سست نموده، پویایی‌های انسانی آن را به مخاطره بیندازد. در هم تنیدگی عوامل روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این مشکل را به یکی از پیچیده‌ترین آسیب‌های اجتماعی مبدل ساخته است. از این رو مصرف مواد را می‌توان از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر دانست که گستره‌ی جهانی پیدا کرده و هر روز بر آمار مصرف‌کنندگان آن، شیوع در گروه‌های مختلف، کاهش سن و تغییر گرایش مصرف از سنتی به صنعتی افزوده شده و به دنبال خود آسیب‌های دیگری همچون افزایش طلاق، بزهکاری و بیکاری، مشکلات سلامت و بسیاری موارد دیگر را همراه دارد (خسروی، ۱۳۹۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد در ایران میزان مصرف مواد مخدر و جرایم مرتبط با آن به طور شتابان در حال افزایش می‌باشد. به طوری که مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان و حتی دختران در حال افزایش است. در بین نوجوانان و دختران گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی بسیار زیاد بوده و بیش از ۷۹/۳ درصد نوجوانان و دختران کنترل شده؛ مواد مخدر صنعتی مصرف می‌کردند (محمدرضایی، ۱۳۹۵).

منظور از مدیریت در علوم اداری و اقتصاد، فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی توأم با برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به هدف‌های سازمانی صورت می‌گیرد. از این منظر، اصول مدیریت به این شرح است: برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج امکانات و منابع، هدایت و سرپرستی و نظارت و کنترل. الوانی (۱۳۸۵) در مورد مدیریت می‌نویسد: شاید یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در زندگی اجتماعی بشر امروز را بتوان مدیریت دانست. به مدد این فعالیت است که مأموریت‌ها و اهداف سازمان‌ها تحقق می‌یابند. از منابع و امکانات موجود بهره‌برداری می‌شود و توانایی و استعداد انسان‌ها از قوه به فعل در می‌آید. مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. تاریخ پیشگیری جمعی از بزهکاری تا مدت‌های زیاد، فقط با تدابیر و اقدام‌های خاص، متفرقه و فاقد هرگونه هماهنگی همراه بود. از حدود چند دهه قبل، ضرورت تأسیس یک سازمان مرکزی در سطح ملی جهت ایجاد هماهنگی، تعریف و تدوین سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری و ارتقای کیفیت اقدام‌های پیشگیرانه به طور جدی احساس می‌شود. در پاسخ به این ضرورت، سازمان‌های رسمی پیشگیری از بزهکاری از طرف دولت‌ها و در جهت ایجاد هماهنگی و برنامه‌ریزی در این قلمرو به تدریج تأسیس و آغاز به کار نمودند. در واقع این گذر از سطح برنامه‌های محدود و متفرقه به سمت پیشگیری برنامه محور و در سطح ملی که در پاسخ به ضرورت مبارزه موثرتر با بزهکاری در حال گسترش صورت می‌گرفت، منجر به پیدایش مدیریت پیشگیری از جرم شد. این تغییر و تحول، با تغییر ایدئولوژی دولت‌ها سرعت بیشتری به خود گرفته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶).

پیشگیری در یک معنای عام، عبارت است از تمامی اقداماتی که از وقوع بزه جلوگیری می‌کند. به عقیده شرم، هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده، می‌تواند پیشگیرانه قلمداد شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳). ون‌دیک

و دوارد^۱ (۱۹۹۱) و امالی و سوتن^۲ (۱۹۹۷)، پیشگیری از جرم را براساس کاهش فرصت‌های جرم یا پیشگیری اجتماعی دسته‌بندی کرده‌اند. مشابه همین تقسیم‌بندی، تونری و فارینگتون^۳ (۱۹۹۵)، راهبردهای پیشگیری از جرم را با عناوین پیشگیری انتظامی^۴، پیشگیری توسعه‌ای^۵، پیشگیری جامعه‌ای^۶ و پیشگیری وضعی تقسیم می‌کنند. درحالی‌که باتومس^۷، از پیشگیری‌های وضعی، اجتماعی و توسعه‌ای سخن می‌گوید. جرم‌شناس دیگری به‌نام شفت^۸، رویکردهای پیشگیری از جرم را به سه روش اصلی به شرح زیر تقسیم کرده است:

۱. استفاده از نظام کیفری (پلیس، دادگاه‌ها، زندان‌ها و...); برای بازداشتن مردم از ارتکاب جرم با خارج ساختن آنان از چرخه جرم، به‌نحوی که جرائم بعدی را مرتکب نشوند؛^۲ کاهش فرصت‌های وقوع جرم؛ در انگلستان و آمریکای شمالی، این کار پیشگیری وضعی از جرم نامیده می‌شود و معمولاً با اصلاح امنیت محیطی یا طراحی ساختمان‌ها و محله‌ها آغاز می‌شود؛^۳ کاهش انگیزه ارتکاب جرم؛ این نوع از پیشگیری، برخی مواقع پیشگیری از مجرمیت یا پیشگیری اجتماعی نامیده می‌شود (محمدنسل، ۱۳۸۷).

به‌هرحال، متنوع‌بودن روش‌های پیشگیری بیانگر آن است که بزهکاری از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیسی خارج شده و مقابله مؤثر با آن از یک سو همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در راهبردها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۳). در دهه‌ی هفتاد گروهی از دانشمندان در واحد تحقیقات وزارت کشور انگلستان در ارزیابی آمارهای جرم در مورد پیشگیری، برای اولین بار اصطلاح «پیشگیری وضعی» را که فقط بر کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد، مطرح نمودند (گسن، ۱۳۸۵). پیشگیری وضعی با ایجاد تغییرات محیط فیزیکی

1. Van Dijk, & De Waard
2. O'Malley, & Sutton
3. Tonry, & Farrington
4. law enforcement prevention

5. developmental prevention
6. community prevention
7. Batooms
8. Shaftoe

ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد (کلکوهن، ۱۳۸۷) و می‌تواند به یکی از سه طریق دشوار سازی آماج جرم، افزایش خطر دستگیری و کاهش منافع قابل پیش‌بینی و دخالت در طراحی شهری، جرائم را کنترل و پیشگیری نماید (محمدنسل، ۱۳۸۷). پیشگیری وضعی به‌عنوان یک نظریه علمی برای کاهش بزهکاری، نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط کلارک، کورنیش و هی‌هوز^۱ مطرح شد. آنان در آثار خود همواره به اتخاذ تدابیر مناسب و به‌کارگیری اقدامات لازم به‌منظور کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که موجب کاهش رفتار بزهکارانه می‌شود و همچنین تغییر رابطه بین بزهکار و بزه‌دیده تأکید کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۸). پیشگیری وضعی شامل از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند: نصب دوربین‌های مداربسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مانند تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب‌ناپذیر بوده یا رفع آن‌ها هزینه‌های غیرقابل‌تحملی را تحمیل می‌کند، است. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوع‌های جرم و ویژگی‌های بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرایند آن‌ها موجب از بین رفتن یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم، با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله‌ها که در نهایت موجب پرهزینه‌شدن اعمال مجرمانه می‌شود، همراه است. در این روش از پیشگیری، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آن‌ها، به‌دنبال خنثی‌سازی عملیات مجرمانه است که در واقع این قبیل اقدامات مکمل کار پلیسی به‌شمار می‌آید. بنابراین پیش‌بینی شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند؛ که گاهی از آن با عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند (بیات، شرافتی‌پور و عبدی، ۱۳۸۷).

مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی از جرم را به این نحو تعریف کرده است: «هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف‌گیری موفقیت‌آمیز

علل شناخته شده جرم، از طریق علمی کاهش دهد» (پالمری^۱، ۲۰۰۳). در بستر نظم و امنیت، مناسب‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اجتماعی آن‌هایی هستند که عوامل خطر را (که به بروز بزهکاری و رفتارهای خشونت‌آمیز و محرومیت اجتماعی کمک می‌کنند)، مورد هدف قرار دهند (چالوم^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). این نوع پیشگیری شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرایند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (نیازپور، ۱۳۸۳). به اعتقاد گسن این نوع پیشگیری به این دلیل پیشگیری اجتماعی گفته می‌شود که حاصل تجربیات پیشگیری مددکاران اجتماعی بدون مداخله پلیس و دادگستری و معطوف به مبارزه با ناسازگاری جوان بزهکار و محیط رشد آنان است (نجفی‌ابرنندآبادی، ۱۳۷۶). یکی از اهداف این نوع پیشگیری، کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است و برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می‌کند، طراحی شده است، مانند: تأسیس مکان‌های تفریحی و پارک‌ها، تأسیس مراکز آموزشی، پرورشی، فرهنگی و ایجاد درآمدزایی و اشتغال‌زایی در محله‌ها، تقویت باورهای دینی از طریق فعال کردن مؤثر و مناسب مراکز مذهبی محلی، تشکیل پلیس محلی (عباچی، ۱۳۸۸). برنامه‌های پیشگیری در سطح اجتماعی از طریق سازمان‌های دولتی، حقوقی، دینی، مذهبی، مدنی و مجریان قانون، هنجارهای ضد مصرف مواد مخدر و رفتارهای اجتماعی مناسب را از طریق تغییر در سیاست و قانون‌گذاری، رسانه‌های گروهی و برنامه‌های افزایش سطح آگاهی عموم، تقویت می‌کنند. برنامه‌های پیشگیری در سطح اجتماعی باید از طریق وضع قوانین جدید و اجرای آن، اعمال محدودیت‌ها، تبلیغات و توسعه مدارس عاری از مواد مخدر برای خلق محیطی پاک و سالم‌تر و عاری از مواد اقدام کنند (طارمیان، ۱۳۸۳).

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که به روش پیمایشی انجام شده است. با توجه به موضوع مورد مطالعه جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران و کارشناسان سازمان‌های متولی و اعضای شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر و کارشناسان مراکز ترک اعتیاد استان گلستان هستند که تعدادشان ۱۰۵۸ نفر است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده و حجم نمونه ۳۶۹ نفر برآورد شد. توزیع فراوانی جامعه آماری و حجم نمونه به تفکیک سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های مرتبط با موضوع، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی جامعه آماری و حجم نمونه به تفکیک سازمان‌های مرتبط

سازمان‌ها	حجم جامعه	حجم نمونه	سازمان‌ها	حجم جامعه	حجم نمونه
صدا و سیما	۸	۳	نیروی انتظامی	۸۹	۳۱
فرهنگ و ارشاد اسلامی	۱۱	۴	اداره دادگستری	۴۷	۱۶
کمیته امداد	۳۲	۱۱	استانداری و فرمانداری	۶۱	۲۱
هلال احمر	۱۰	۳	شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر	۱۴	۵
سازمان فنی و حرفه‌ای	۱۸	۶	اداره کل زندان‌ها	۱۰	۳
سازمان تبلیغات اسلامی	۱۰	۳	دانشگاه علوم پزشکی و مراکز تابعه	۳۴۳	۱۲۰
آموزش و پرورش	۲۸	۱۰	بهبیستی و مراکز تابعه	۳۶۸	۱۲۸
شهرداری‌ها و خانه‌های فرهنگ	۹	۹	جمع	۱۰۵۸	۳۷۳

با توجه به وجود آمار و آدرس دقیق، برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی نظام مند استفاده شد. گردآوری اطلاعات به دور روش اسنادی و میدانی انجام شد. برای تهیه پیشینه پژوهش و دستیابی به چارچوب نظری با استفاده از ابزار فیش‌برداری، اطلاعات لازم جمع‌آوری شد و در بخش میدانی، از پرسش‌نامه محقق ساخته، بهره گرفته شد.

ابزار

۱- پرسش‌نامه محقق ساخته: دارای ۵۶ پرسش بسته بود که با طیف پنج گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) نمره‌گذاری می‌شدند. روایی آن از دو روش صوری و محتوایی تایید شد. برای اطمینان از برقرار بودن روایی محتوا، ابزار طراحی شده به ده نفر از متخصصان ارائه شد. پس از دریافت نظر متخصصان، ضریب نسبی روایی محتوایی^۱، با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد.

$$CVR = \frac{nE - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این رابطه، N تعداد کل داوران و n تعداد داورانی است که گویه مورد نظر را مناسب می‌دانند. متخصصان برای ارزیابی گویه‌ها مقدار قابل قبول ۰/۶۲ برای ۱۰ ارزیاب را مناسب می‌دانند (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). در محاسبه انجام شده مقدار ضریب نسبی روایی محتوایی برای تمام گویه‌ها بیشتر از ۰/۶۲ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی مناسب بود. در جدول ۲ نمونه‌ای از مقادیر به دست آمده ارائه شده است.

جدول ۲: ضریب CVR و مقدار مورد قبول تک تک گویه‌ها

شماره سؤالات	تعداد داوران	ضریب CVR	حداقل مورد قبول	شماره سؤالات	تعداد داوران	ضریب CVR	حداقل مورد قبول
۱	۱۰	۰/۹۶	۰/۶۲	۳۳	۱۰	۰/۸۰	۰/۶۲
۲	۱۰	۰/۸۰	۰/۶۲	۳۴	۱۰	۰/۸۲	۰/۶۲
۳	۱۰	۰/۸۲	۰/۶۲	۳۵	۱۰	۰/۸۸	۰/۶۲
⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮	⋮
۳۰	۱۰	۰/۷۸	۰/۶۲	۵۴	۱۰	۰/۷۸	۰/۶۲
۳۱	۱۰	۰/۹۴	۰/۶۲	۵۵	۱۰	۰/۷۸	۰/۶۲
۳۲	۱۰	۰/۹۶	۰/۶۲	۵۶	۱۰	۰/۹۸	۰/۶۲

همچنین میزان اعتبار پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آلفای کرونیباخ مولفه‌های مورد سنجش به وسیله پرسش‌نامه محقق ساخته

ردیف	متغیرها و شاخص‌ها	تعداد گویه	ضریب آلفا
۱	مدیریت پیشگیری از جرم	۱۲	۰/۸۱۳
۲	مدیریت پیشگیری اجتماعی	۱۹	۰/۹۳۶
۳	مدیریت پیشگیری وضعی	۲۳	۰/۹۵۶
۴	میزان مصرف مواد مخدر	۳	۰/۷۹۱

نتایج نشان می‌دهد که تمام متغیرها از آلفای بیش از ۰/۷ برخوردار بوده و این امر بیانگر برخوردار بودن متغیرهای پژوهش از اعتبار مناسب است.

یافته‌ها

از مجموع ۳۷۳ پاسخگوی مورد مطالعه، بیش از ۹۰ درصد مرد و بیش از ۸۰ درصد آن‌ها دارای سطح تحصیلات کارشناسی و بیشتر بودند. همچنین بیشتر از ۷۵ درصد بیش از ۱۵ سال سابقه مدیریتی مستقیم در حوزه پیشگیری از جرم و مواد مخدر داشتند و به لحاظ توان مدیریتی، سطح تخصصی و قابلیت پاسخ‌گویی از تسلط کافی برخوردار بودند. از نظر بیشتر پاسخ‌گویان وضعیت مدیریت پیشگیری از جرایم مرتبط با مصرف مواد مخدر در سطح کم و متوسط بود. پاسخ‌گویان معتقد بودند مدیریت پیشگیری اجتماعی جرایم مرتبط با مصرف مواد مخدر، توفیق‌چندانی نداشته و مدیریت پیشگیری وضعی جرایم مرتبط با مصرف مواد مخدر شرایط بهتر از پیشگیری اجتماعی داشته ولی در حد متوسط ارزیابی شده است. پاسخگویان معتقد بودند، شورای هماهنگی مبارزه با مصرف مواد مخدر از موفقیت نسبی برخوردار بوده و نظر غالب پاسخ‌گویان بر این بود که میزان گرایش افراد به مصرف مواد مخدر افزایش یافته و این نتیجه نمی‌تواند انتظارات اعضای شورای هماهنگی مبارزه با مصرف مواد مخدر را برآورده سازد. در رتبه‌بندی وضعیت مصرف مواد دخانی و مخدر در استان گلستان، رتبه اول قلیان (دخانی) و سپس سیگار (دخانی) و در مراتب بعدی تریاک، شیشه و ترامادول قرار داشت.

پیش از بررسی فرضیه‌های پژوهش، ابتدا نرمال بودن داده‌ها بر اساس آزمون کولموگروف اسمیرنوف مطابق جدول ۴ بررسی شد.

جدول ۴: نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع

ردیف	متغیرها	آماره Z	معداری
۱	مدیریت پیشگیری از جرم (مصرف مواد مخدر)	۱/۶۳۷	۰/۱۴۱
۲	مدیریت پیشگیری اجتماعی از جرم (مصرف مواد مخدر)	۱/۲۷۶	۰/۱۶۱
۳	مدیریت پیشگیری وضعی از جرم (مصرف مواد مخدر)	۱/۰۲۶	۰/۱۷۹
۴	میزان مصرف مواد مخدر	۱/۸۸۱	۰/۱۰۵

بر مبنای نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف، همه متغیرهای مورد مطالعه، دارای توزیع نرمال هستند. آماره‌های توصیفی پاسخ‌گویان نسبت به مدیریت پیشگیری از جرم و مصرف مواد مخدر در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: ارزیابی نظر پاسخ‌گویان نسبت به مدیریت پیشگیری از جرم و مصرف مواد مخدر

گزینه‌ها	پیشگیری از جرم (%)	پیشگیری اجتماعی از جرم (%)	پیشگیری وضعی از جرم (%)	گرایش به مصرف مواد مخدر (%)
خیلی کم	۵/۸	۱۰/۳	۷/۶	۳/۵
کم	۳۷/۶	۳۳/۹	۱۸/۷	۳/۵
متوسط	۳۸/۷	۳۶/۲	۴۳/۹	۵۰/۳
زیاد	۱۳/۹	۱۴/۴	۲۶/۳	۳۹/۹
خیلی زیاد	۴	۵/۲	۳/۵	۲/۹

مقایسه درصد‌های یادشده نشان می‌دهد بیشتر پاسخ‌گویان مورد مطالعه (۴۳/۴ درصد) در ارزیابی نسبت به مدیریت پیشگیری از جرم (مصرف مواد مخدر) در ستون دوم به گزینه‌های کم و خیلی کم و در ارزیابی نسبت به مدیریت پیشگیری اجتماعی از جرم (مصرف مواد مخدر) در ستون سوم به گزینه‌های کم و خیلی کم (۴۴/۲ درصد) نظر داده‌اند. بنابراین وضعیت مدیریت پیشگیری از جرم و مدیریت پیشگیری اجتماعی از جرم ضعیف ارزیابی شده است. همچنین بیشتر پاسخ‌گویان (۴۳/۳ درصد) در ارزیابی نسبت به مدیریت پیشگیری وضعی از جرم مصرف مواد مخدر در ستون چهارم و در ارزیابی نسبت به گرایش به مصرف مواد مخدر در ستون پنجم به گزینه‌های متوسط نظر داده‌اند. بنابراین

وضعیت مدیریت پیشگیری وضعی از جرم و نگرش نسبت به مصرف مواد مخدر در حد متوسط ارزیابی شده است.

به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که: «مدیریت پیشگیری از جرم بر مصرف مواد مخدر تاثیر دارد»، از رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شد که نتایج آزمون فرضیه پژوهش در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: جدول ضرایب رگرسیون مصرف مواد مخدر بر اساس مدیریت پیشگیری از جرم

متغیرهای پیش‌بین	R	B	خطای استاندارد	استاندارد خطا	استاندارد بتا	آماره t معناداری
مقدار ثابت	-	۷/۱۲۹	۰/۵۳۶	-	-	۱۳/۲۹۹
مدیریت پیشگیری از جرم مصرف مواد مخدر	۰/۰۵	۰/۰۲۰	۰/۱۷۰	۰/۱۷۰	۰/۱۷۰	۲/۴۸۷
مدیریت پیشگیری اجتماعی از جرم مصرف مواد مخدر	۰/۳۴۵	۰/۰۲۹	۰/۰۱۳	۰/۱۷۳	۰/۱۷۳	۲/۳۲۵
مدیریت پیشگیری وضعی از جرم مصرف مواد مخدر	۰/۰۴۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۳۳۳	۰/۳۳۳	۵/۰۲۰

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی چند گانه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (مصرف مواد مخدر) برابر ۰/۳۴۵ می‌باشد. همچنین ترتیب شدت تأثیر گذاری به شرح زیر است: مدیریت پیشگیری وضعی از جرم با مقدار ضریب بتا ۰/۳۳۳، مدیریت پیشگیری از جرم با مقدار ضریب بتا ۰/۱۷۳ و مدیریت پیشگیری اجتماعی از جرم با مقدار ضریب بتا ۰/۱۷۰ است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است اگرچه برنامه‌های مدیریت پیشگیری از جرم تا حدودی در پیشگیری از جرایم مرتبط با مصرف مواد مخدر موثر بوده اما با تامل در سطوح مختلف این برنامه‌ها، مشخص می‌شود عوامل مؤثر در پیشگیری اجتماعی و راه‌های تحقق آن باید بازنگری و با نگاهی نو، به عوامل تأثیرگذار در جامعه تبدیل شوند. در ضمن، نتایج نشان داد که مدیریت پیشگیری وضعی از جرم بالاترین تاثیر را در

پیشگیری از مصرف مواد مخدر دارد و مدیریت پیشگیری اجتماعی از جرم کمترین تاثیر را در مصرف مواد مخدر دارد. این نتایج نشان‌دهنده آن است که در حوزه مدیریت پیشگیری از جرم اگرچه اقداماتی از قبیل تنظیم سند و برنامه در سازمان و نهادهای عضو شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر با رویکرد پیشگیری از مصرف مواد مخدر انجام شده و همچنین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای عملیاتی شدن برنامه‌ها تدوین شده‌اند اما در ارزیابی عملکرد به عمل آمده، به دلیل ناهماهنگی بین سازمان‌ها، نداشتن مسئول مقتدر و پاسخ‌گو برای پیشگیری از مصرف مواد مخدر، نداشتن امکانات سخت‌افزاری - نرم‌افزاری (برنامه‌ها و خط‌مشی سازمان‌های متولی) برای پیشگیری از مصرف مواد مخدر، برنامه‌های کنترلی و نظارتی متناسب با امکانات و ظرفیت‌های موجود در سازمان‌ها با رویکرد پیشگیری از مصرف مواد مخدر، تنظیم نشده، ضمن اینکه در عمل امکان سنجش موفقیت سازمان‌ها و نهادهای متولی در پیشگیری از مصرف مواد مخدر به سختی امکان‌پذیر است. این در شرایطی است که برخی از برنامه‌های پیشگیری از مصرف مواد مخدر صوری و تبلیغاتی است در حالی که زمینه‌های مختلفی برای آموزش و افزایش کسب مهارت نه گفتن در جامعه توسط جوانان، آموزش و کسب مهارت ارتباط مؤثر و سازنده با دیگران برای جلوگیری از انزوای فردی و روی آوردن به مواد مخدر، ارائه آموزش‌های غیرمستقیم در کتب درسی مدارس با رویکرد پیشگیری از مصرف مواد مخدر، ارائه آموزش‌های غیرمستقیم در کتب درسی دانشگاهی با رویکرد پیشگیری از مصرف مواد مخدر، آشنانمودن نوجوانان و جوانان با مضرات و آسیب‌های مصرف مواد مخدر و ایجاد اماکن مناسب گذراندن اوقات فراغت در حوزه مدیریت پیشگیری اجتماعی قابل تصور است. در مجموع با تطبیق نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های گذشته، یافته‌های پژوهش مشکی و اصلی‌نژاد (۲۰۱۳) مبنی بر تفاوت رفتارهای پیشگیری‌کننده از سوء مصرف مواد، در دو گروه آزمون و گواه، موید یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر وجود رابطه بین مدیریت پیشگیری اجتماعی با جلوگیری از سوء مصرف مواد مخدر است. همچنین با توجه به نتایج پژوهش منصورآبادی و ابراهیمی (۱۳۸۷)، مبنی بر فقدان قانون مشخص در خصوص مدیریت پیشگیری از جرم، پراکندگی و تعدد

نهادهای متولی پیشگیری از جرم در ایران، ناهماهنگی بین نهادهای ذی ربط و نیز نبود یک سیاست علمی، هماهنگ و سنجیده در این زمینه که موجبات هدر رفتن امکانات و ظرفیت‌های سازمان‌ها و نیز خنثی شدن فعالیت‌های بخش‌های مختلف سیاست جنایی در خصوص پیشگیری از جرم شده است. هرچند در پژوهش حاضر نقش مدیریت پیشگیری بر جرم مصرف مواد مخدر دارای رابطه‌ی معناداری است؛ ولی نتایج به دست آمده ضعیف بودن توفیق در برنامه‌ریزی و مدیریت پیشگیرانه را تأیید کرد. از این جهت یافته‌های هر دو پژوهش با یکدیگر همسو هستند. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر موفقیت پایین سیاست‌ها و برنامه‌های ابلاغی پیشگیری از جرم در جلوگیری از مصرف مواد با یافته‌های پژوهش‌های پیتون و همکاران (۲۰۰۰) و دیوانی و همکاران (۲۰۰۶) همراستا است.

با توجه به کاربردی بودن پژوهش حاضر، پیشنهادهایی حاصل از نتایج پژوهش، قابل ارائه است. پیشنهاد می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان استان گلستان ضمن تنظیم سند و برنامه عملیاتی در سازمان و نهادهای عضو شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر با رویکرد پیشگیری از مصرف مواد مخدر، به میزان واقعی بودن و امکان عملیاتی شدن برنامه‌ها و همچنین میزان استفاده از امکانات نرم‌افزاری (برنامه‌ها و خط مشی سازمان‌های متولی) توجه کنند و به صورت سالانه میزان پیشرفت در هر یک از شاخص‌ها سنجیده شود و دلایل ارزیابی منفی احتمالی احصا شده، و مورد واکاوی قرار گیرد تا بسترهای موفقیت مدیریت پیشگیری از جرم فراهم شود. همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هرچقدر شاخص‌های افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری در جامعه بهبود یابد، مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها کاهش خواهد یافت. پیشنهاد می‌شود مدیران حوزه پیشگیری از جرایم، نسبت به ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان و رفع معضل بیکاری، افزایش مکان‌های مناسب ورزشی، تفریحی و فرهنگی به منظور پر کردن اوقات فراغت جوانان و ارائه آموزش‌های غیرمستقیم در کتب درسی برای آشنایی با اثرات سوء مصرف مواد مخدر، اهتمام ورزند. با توجه به وجود تأثیر پیشگیری وضعی از جرایم بر پیشگیری از مصرف مواد و وضعیت مناسب مدیریت این حوزه، لازم است مسئولان و برنامه‌ریزان ضمن تلاش برای افزایش بکارگیری ظرفیت نگهبان محله و شرکت‌های مراقبتی و تأمینی

در محلات، از ورود پیش‌سازهای شیمیایی مواد مخدر صنعتی جلوگیری کنند و با تقویت وضع موجود و افزایش توانمندی مدیریت پیشگیری وضعی، در راستای کاهش مصرف مواد مخدر تلاش نمایند.

منابع

اسدافروز، محمدتقی (۱۳۸۷). *ریشه‌یابی اعتیاد و ترک ماده مخدر*. چاپ اول، تهران: انتشارات کوشا مهر.

الوانی، مهدی (۱۳۸۵). *مدیریت عمومی*. تهران: انتشارات نی.

بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر و عبدی، نرگس (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور*. تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.

حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۰). *روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*. چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی.

خسروی، عزت‌الله (۱۳۹۲). *تحلیل چرایی ناکارآمدی برنامه‌های پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

دادگستری استان گلستان (۱۳۹۶). *گزارش سالانه دادگستری استان گلستان*.

رجبی، ابراهیم (۱۳۸۸). *پلیس و حقوق شهروندی*. تهران: انتشارات مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی دانشگاهی.

طارمیان، فرهاد (۱۳۸۳). *بحث ویژه: پیشگیری از سوء مصرف مواد در کودکان و نوجوانان (راهنمای متکی بر پژوهش)*. فصلنامه اعتیاد‌پژوهی، ۲(۶)، ۱۵۶-۱۴۳.

عباچی، مریم (۱۳۸۸). *پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس: پیشگیری از تکرار جرم و تکرار بزه‌دیدگی*. مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری و معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی.

کوثری، مسعود (۱۳۸۲). *آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر*. فصلنامه اعتیاد‌پژوهی، ۲(۵)، ۳۰-۱۳.

کلکوهن، ایان (۱۳۸۷). طراحی عاری از جرم. ایجاد مناطق امن و پایدار. ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، تهران: میزان.

گسن، ریمنوند (۱۳۸۵). جرم‌شناسی. ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: نشر داد گستر.

محبوبی منش، حسین (۱۳۸۲). اعتیاد مردان، تهدیدی علیه زن و خانواده. فصل‌نامه شورای فرهنگی. اجتماعی زنان، ۶(۲۲)، ۹۰-۶۷.

محمدرضایی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). بررسی میزان آگاهی گروه‌های مرتبط با معنادان از مداخلات درمان، کاهش آسیب و حمایت‌های اجتماعی در استان گلستان. شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان گلستان.

محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات). تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

محمدی، محمدعلی و شیانی، ملیحه (۱۳۸۶). عوامل راهبردی پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر: برنامه مدرسه محور. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶(۲۵)، ۸۳-۵۹.

منصورآبادی، عباس و ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). تحولات مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۳(۸)، ۳۸-۶.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۶). روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری. تحقیقات حقوقی، ۱(۱۲۲)، ۴۳-۳۳.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم. تهران: انتشارات سمت.

نظریور، محمود؛ پوزش، شهیندخت؛ رئوفی، محمدباقر؛ صداقت، کامران؛ نظری، مهدی؛ امینی، الهه و پورسیف، ارسلان (۱۳۸۸). اثر کارگاه مهارت‌های زندگی در تغییر نگرش و آگاهی نسبت به سوء مصرف مواد در دانشجویان. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۳۱(۴)، ۸۳-۸۶.

نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران. مجله حقوقی دادگستری (۴۸ و ۴۹)، ۲۲۶-۱۶۹.

Chalom, M., & Léonard, L., Vanderschueren, F., Vézina, C. (2001). *Urban Safety and Good Governance: The Role of the Police*. United Nations Center for Human Settlements and International Center for the Prevention of Crime. Retrieved at: www.crime-prevention-intl.org.

Devaney, E., O'Brien, M. U., Resnik, H., Keister, S., & Weissberg, R. P. (2006). Sustainable schoolwide social and emotional learning (SEL):

- Implementation guide and toolkit. *Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning (NJ3)*. ISBN: ISBN-978-1-9336-4600-8.
- Elias, M. J., & Kress, J. S. (1994). Social decision making and life skills development program: A critical thinking approach to health promotion in the middle school. *The Journal of school health*, 64(2), 62-66.
- Griffith, J. S. (1999). DARE-ing to be Different? A drug prevention and life skills education programme for primary schools. *Early child development and care*, 158(1), 95-105.
- Moshki, M., & Aslinejad, M. A. (2013). The Life Skills Training and Preventive behaviors of Substances Abuse among University Students: A Longitudinal Study. *Journal of Fasa University of Medical Sciences*, 3(3), 194-201.
- O'Malley, P., & Sutton, A. (1997). *Crime prevention in Australia: Issues in policy and research*. Federation Press.
- Palmary, I. (2001). *Social Crime Prevention in South Africa's Major Cities*. Centre for Study of Violence and Reconciliation. Retrieved at: www.csvr.org.
- Payton, J. W., Wardlaw, D. M., Graczyk, P. A., Bloodworth, M. R., Tompsett, C. J., & Weissberg, R. P. (2000). Social and emotional learning: A framework for promoting mental health and reducing risk behavior in children and youth. *Journal of school health*, 70(5), 179-185.
- Tonry, M., & Farrington, D. P. (1995). Strategic approaches to crime prevention. *Crime and Justice*, 19, 1-20.
- Van Dijk, J., & De Waard, J. (1991). *A two-dimensional typology of crime prevention projects: With a bibliography*. Paper presented at the Criminal Justice Abstracts.